

#### • ردائِل اخلاقی

اکنون که از بیان اصول و زیربنای اخلاق اسلامی فارغ شدیم، وقت آن رسیده است که به تشریح ردائِل اخلاقی بپردازیم. در این فصل و فصل سوم، از اثر گران‌سنگ استاد معظم امام خمینی‏ رحمه‌الله بهره خواهیم برد.

ریا، عُجْب و شُمعِه

سرزمین روح و روان در صورتی فضیلت‌ها را در خود پرورش می‌دهد که از هر نوع مزاحم به‌نام رذیله اخلاقی پاک و تهی باشد، تا نهال خوبی‌ها در اعماق روان ریشه دوانیده و با به‌کارگیری مشارطه، مراقبه و محاسبه، به‌صورت درخت تنومند درآید و میوه‌های خوشبوی آن، محیط زندگی را عطرآگین سازد.

روح و روان انسان، به‌سان سرزمین کشاورزی است که برای بهره‌گیری باید از سنگ و کلوخ و هر نوع مزاحم، تمیز و پاک باشد. در غیر این صورت، نهال باغبان و یا تخم بذریاش هدر می‌رود و ثمربخش نمی‌باشد.

اکنون باید دید چگونه روح خود را از رذایل اخلاقی غریبال‌گری کنیم تا نهال فضیلت به‌تدریج به ثمر بنشیند و این هدف، جز با شناسائی ردائِل و تصمیم بر دوری از آنها انجام نمی‌گیرد و لذا تصمیم بر این است که آن ها را به‌تدریج شناسائی کنیم. به‌نظر کارشناسان امور اخلاقی، ریا و عُجب و شُمعِه در رأس رذایل است که به‌شیوه موجز، به شرح آنها می‌پردازیم.

#### • ریا چیست؟

علمای اخلاق ریا را چنین تعریف می‌کنند:

«طَلَب المَنتزِلَةِ فی قُلُوب الناس بِخِصال الخیر»؛ (انسان کار نیک را برای کسب منزلت و موقعیت در قلوب مردم انجام دهد). ساخت بیمارستان و یا درمانگاه، کاری بسیار پسندیده است؛ به‌شرط اینکه برای کسب رضای خدا انجام گیرد، در این صورت قلباً و عملاً موحد خواهد بود؛ ولی اگر محرک و داعی، خوشایند مردم و کسب موقعیت در اجتماع باشد، در شمار مشرکان قرار می‌گیرد؛ زیرا غیرخدا را شریک او قرار داده است. در این صورت، اگر عمل او امر عبادی مانند نماز و روزه باشد، باطل خواهد بود و اگر غیر آن باشد، پاداشی نخواهد داشت؛ زیرا برای خدا کاری انجام نداده؛ بلکه محرک او کسب رضایت مردم بوده است و باید از آنها مزه پاداش طلبید.

امام صادق‏ علیه‌السلام در این مورد می‌فرماید: «کُل رِیاء شَرک، اِنَّه من عمل للنَّاس کَانَ ثَوابُه عَلی النَّاس و من عمل لله کَانَ ثَوابُه عَلی الله».

هرکس کاری را برای کسب رضایت مردم انجام دهد، پاداش او بر عهده مردم است و کسی که کار را برای خدا انجام دهد، پاداش او بر خداست.

#### • عمل نیک و نیت پاک

قرآن مجید در سوره مبارکه توبه، حق مسجدسازی را از مشرکان سلب می‌کند و آن را حق مطلق افراد با ایمان می‌داند.

۱. ﴿مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَقُولُوا مَسَاجِدُ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَی أَنفُسِهِمْ بِأَنَّكَرَ أَوْلَیَکَ حِطَّتْ أَعْمَالُهُمْ وَفَی النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ﴾<sup>۱</sup>

«مشرکان حق ندارند، مسجدهای خدا را تعمیر و آباد کنند؛ درحالی‌که بر کفر خویش گواهی می‌دهند (و بر بت‌پرستی تظاهر می‌نمایند)؛ زیرا اعمال آنان تباه و همیشه در آتشند.

۲. ﴿إِنَّمَا یَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْیَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّکَاةَ وَلَمْ یَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَى أَوْلَیَکَ أَنْ یُکُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِینَ﴾<sup>۲</sup>

«تنها کسانی می‌توانند مساجد خدا را آباد کنند که به‌خدا و روز بازپسین ایمان داشته باشند و نماز بگزارند و جز خدا از کسی ترسند؛ در این صورت شاید از هدایت‌شدگان باشند».

اکنون سؤال می‌شود که چرا مشرکان از ساختن مسجد برای نمازگزاران محروم باشند؟

پاسخ این است که عمل نیک به‌تنهایی کافی نیست؛ بلکه سرچشمه عمل نیز، که همان نیت و محرک است، باید پاک باشد.

مشرکی که پیشانی بر سنگ و چوب می‌ساید و از پرستش خدا سر باز می‌زند و موحدها را با شکنجه به دیار مرگ می‌فرستد، حق ندارد که مسجدالحرام را که برای عبادت موحدان ساخته شده است، بازسازی کند. او با عمل به ظاهر نیک، خواهان کسب موقعیت در شبه جزیره‌العرب است که مسجدالحرام در نزد آنان از موقعیت بس بالایی برخوردار است.

اسلام در داوری خود درباره افراد، تنها به عمل نمی‌نگرد؛ بلکه علاوه بر عمل، نیت و انگیزه کار را نیز در نظر می‌گیرد. هر گاه فردی درمانگاهی بسازد، تنها حسن و زیبایی عمل او در پذیرفتن عمل و دادن پاداش کافی نیست؛ بلکه در صورتی مقبول است که محرک این فرد برای چنین کاری، انگیزه پاک و پیراسته از منافع پیدا و ناپیایدای دنیوی او



# اخلاق در مکتب وحی

بخش ششم	آیت‌الله‌العظمی سبحانی
سلسله مباحث اخلاقی از مجموعه کامل جلسات «اخلاق در مکتب وحی» مرجع عالی‌قدر آیت‌الله‌العظمی سبحانی، هر هفته در «هفته‌نامه اقق» حوزه منتشر می‌گردد.	
در شماره ۷۷۹ مباحثی چون: اعتدال و میانه‌روی در بهره‌گیری از داده‌های طبیعت، مذمت از دنیا در قرآن، مشارطه، مراقبه ومحاسبه زیربنای وارستگی اخلاق اسلامی، مطرح گردید. ادامه این مباحث به شرح ذیل می‌باشد.	

باشد؛ هرگاه درمانگاه را برای خداوند و یا به‌انگیزه کمک به انسان‌ها بسازد، عمل وی پذیرفته می‌شود؛ ولی هرگاه این واحد درمانی را برای ریا و شهرت و انگیزه آوردن رأی بیشتر در انتخابات، بنا کند، نه‌تنها پاداشی ندارد؛ بلکه شخص او نیز شایسته تحسین نیست.

روشن‌تر بگوییم: در جهان امروز برای ستودن یک فرد، بررسی یک پرونده، کافی است و آن پرونده عمل است؛ هرگاه عمل یک فرد نیک و مفید بود، کافی است که بگوییم وی فرد نیکوکار و خدمت‌گزاری است؛ درحالی‌که در مکتب تربیتی اسلام، بررسی یک پرونده، یعنی پرونده عمل برای داوری کافی نیست؛ بلکه باید علاوه بر پرونده عمل، پرونده «نیت» نیز مورد بررسی قرار گیرد و درباره انگیزه‌های این فرد دقت شود. اگر پرونده نیت، با پرونده عمل تطبیق کرد؛ یعنی در کارهای خود ریاکار و منافق نباشد، اسلام به چنین فردی امتیاز می‌دهد و او را جزو نیکوکاران می‌شمارد و در غیر این صورت، او را ریاکار و منافق می‌داند. در احادیث اسلامی می‌خوانیم: «النیة أساس العمل» نیت، اساس و پایه کار است.

درست است که در روز افتتاح یک واحد درمانی، نمایندگان رادیو و تلویزیون و مطبوعات در آنجا حاضر می‌شوند و از قسمت‌های مهم آن عکس‌برداری می‌کنند و در گزارش خود از بنیان‌گذار آن تقدیر می‌نمایند؛ درحالی‌که اسلام با چنین سطحی‌نگری کاملاً مخالف است و می‌گوید: باید درباره انگیزه‌های این عمل دقت شود.

کلام‌الله مجید در نشان دادن بی‌ثمر بودن کارهای ریائی،

مَثَل و تشبیهی دارد که از نظر عزیزان می‌گذرد:

﴿فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَیْهِ ثَرَاتٌ فَأَضَابَهُ وَابِلٌ فَفَتَرَكَهُ صَلْدًا لَا یُقْدِرُونَ عَلَی شَیْءٍ مِمَّا کَسَبُوا وَاللَّهُ لَا یَهْدِی الْقَوْمَ الْکَافِرِینَ﴾<sup>۳</sup>

«کار ریاکاران به‌سان کار کسی است که بر قطعه سنگی که بر آن خاک نازک است، بذرافشانی کند، ناگهان رگبار شدیدی بر آن برسد و بذرها را بشوید، فقط سنگ صاف باقی بماند و از کار خود نتیجه نگیرد. خدا کافران را هدایت نمی‌کند.» بنابراین تا سرچشمه کار صاف نباشد، زیبایی عمل سودی نمی‌بخشد.

برای آشنایی ریاکار، از افراد مخلص، علائم و نشانه‌های سه‌گانه است که در سخن امیرمؤمنان‏ علیه‌السلام آمده است و اگر خود انسان در شیوه کار خود شک کرد، می‌تواند از این

را از زیان‌کارترین افراد آگاه سازم؟
آن‌آنکه سعی‌شان در زندگی این جهان تباہ گشت؛ درحالی‌که می‌پندارند، کارهای نیک انجام می‌دهند.

این درجه از عجب از آن ظالمان و ستمگران است که برای رسیدن به آمال خود، خون مظلومان را می‌ریزند و تصور می‌کنند، کار نیکی انجام داده اند. پروردگارا! ما را از هر نوع عجب، خواه بزرگ شمردن عمل صالح یا زیبا اندیشیدن کارهای زشت، بازدار و از هر نوع عامل مانع از تقرب، دور بفرما.

#### • تکبر و خودنمایی

«واژه تکبر» از «کبر» گرفته شده است و به‌معنی خودنمایی و در برابر دیگران است و لفظ یادشده مصدر باب «تفعل» است که حاکی از پذیرش این حالت نفسانی است و اینکه متکبر با کمال میل و رغبت به خودنمایی می‌پردازد.

خودنمایی که نتیجه «عُجْب» به‌معنی خودپسندی است، مانع از رشد فضائل اخلاقی می‌گردد و آنگاه که خصیصه خودپسندی تشدید شود، به‌صورت «تکبر» خود را نشان می‌دهد و با تحقیر دیگران به خودنمایی می‌پردازد.

این رذیله اخلاقی، به جمع خاصی اختصاص ندارد؛ نه‌تنها دامن اصحاب سلطه و قدرت و یا مکتن و ثروت را می‌گیرد؛ بلکه در شرایطی همه طبقات را پوشش می‌دهد. دانشمندی که در رشته خود، نوعی تَبَزُّز دارد، گاهی در موقع برخورد با دیگران قیافه کبر به خود می‌گیرد و به دیگران از نظر تحقیر و کوچکی می‌نگرد. در این مورد بین حکیم و عارف، فقیه و اصولی، شاعر و ادیب فرقی نیست.

جهبسا انسان کم‌ظرفیت با فراگیری چند اصطلاح فلسفی و عرفانی، آن چنان سخن می‌گوید که گویا آنچه را که آموخته، بر دل ننشسته و از مرحله فراگیری به مرحله چشیدن رسیده است و به همین منوال است کار فقیه و اصولی، ادیب و شاعر؛ حتی این بیماری دامن‌گیر جوان نیز می‌شود. ولذا حکیم فرزانه لقمان، فرزند خود را چنین آموزش می‌دهد: «وَلَا تَصْغُرْ حَدَکَ لِلنَّاسِ»<sup>۴</sup>؛ با بی‌اعتنایی از مردم روی مگردان. «إِنَّ اللَّهَ لَا یَحِبُّ کُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ»<sup>۵</sup>؛ خدا متکبران خودپسند را دوست ندارد.

البته حساب وقار و آزان، از تکبر و خودپسندی جداست. انسان موقر، با حفظ توازن در سخن گفتن، از بیهوده‌گویی اجتناب می‌ورزد و به مقدار لازم سخن می‌گوید و سپس سکوت برمی‌گزیند.

#### • اقسام تکبر

بیماری تکبر، دارای مراتب و درجاتی است که به برخی از مراتب آن، اشاره می‌کنیم:

#### ۱. اناعای الوهیت و خدایی

گاهی غرور و خودپسندی به‌خاطر داشتن جاه و مقام و قدرت و ارتش، به جایی می‌رسد که دارنده آن، ادعای خدایی می‌کند. انسانی که در مقابل میکروب مالاریا عاجز و ناتوان است، خود را مالک کون و مکان معرفی می‌کند.

نمرد زمان در برابر ابراهیم‏ علیه‌السلام ادعای خدایی می‌کرد. قهومان توحید در مقام منازعه او را سرکوب کرد. قرآن مذکره آن دور را چنین نقل می‌کند: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِی حَاجَّ إِبْرَاهِیمَ فِی رَیْبِهِ أَنْ أْتَاهُ اللَّهُ الْمَلْکَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِیمَ رَبِّیَ الَّذِی یُحِبُّی وَیُحِبُّنِی قَالَ أَنَا أُحِبُّهُ وَأُمِیتُ قَالَ إِبْرَاهِیمَ فَإِنَّ اللَّهَ یَأْتِی بِالْحُكْمِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأَنْتَ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذِی کَفَرَ وَاللَّهُ لَا یَهْدِی الْقَوْمَ الظَّالِمِینَ»<sup>۶</sup>؛ آیا ندیدی کسی را که با ابراهیم درباره پروردگارش محاجّه و گفت‌وگو کرد؛ زیرا خداوند به او حکومت داده بود. و بر اثر کم‌ظرفیتی از باده غرور سرمست شده بود. هنگامی که ابراهیم گفت: خدای من آن کسی است که زنده می‌کند و می‌میراند. او گفت: من نیز زنده می‌کنم و می‌میرانم. او برای اثبات این کار دستور داد دو زندانی را آورند؛ یکی را کشت و دیگری را از آزاد کرد. ابراهیم گفت: خداوند من خورشید را از افق مشرق بیرون می‌آورد اگر راست می‌گویی که حاکم جهان هستی، خورشید را از مغرب بیاور. در این هنگام آن مرد کافر مهیوت و واماندہ شد. خداوند ستمگران را هدایت نمی‌کند. این نه‌تنها نمرد زمان است که ادعای خدایی می‌کند؛ بلکه فرعون نیز نمرد دوم بود که به جناب موسی‏ علیه‌السلام گفت: ﴿لَئِنْ أَتَّخَذْتُ إِلَٰهًا غَيْرِي لَأَجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمَشْجُونِینَ﴾<sup>۷</sup>؛ (اگر به خدایی غیر از من معتقد شوی، تو را زندانی می‌کنم).

غرور و بی‌طرفیتی فرعون را ببین که در میان مردم مصر، فریاد می‌کشید: ﴿أَنَا رَبُّکُمُ الْأَعْلَیَّ﴾<sup>۸</sup>؛ من پروردگار برتر شما هستم.

#### ۲. خودخواهی در برابر آموزگاران الهی

در تاریخ دعوت آموزگاران آسمانی، متکبران، از پذیرفتن رهبری آنان سرباز زده و می‌گفتند: شما هم بشری مانند ما هستید و منطق همگان این بود: ﴿لَئِنْ أَتَّعَّمْتُ شُعْطِیًّا إِنَّا لَکُمْ لَنَٰحَابِرُونَ﴾<sup>۹</sup>؛ اگر از بشری مانند خود، پیروی کنید، زیان‌کار خواهید بود.

قرآن مجید این منطق را در سوره‌های مختلف، از مشرکان نقل می‌کند.<sup>۱۰</sup>

اگر متکبران درباره آموزگاران الهی، سر فرود می‌آوردند،

چهره زندگی بشر امروز به‌گونه‌ای دیگر بود.

از این دو مرحله گذریم و به دیگر مراحل تکبر، به‌صورت موجز، اشاره کنیم:

۱. تکبر بر ذوی‌النعم، مانند پدر و مادر.
۲. تکبر بر استاد و کلیه کسانی که در رشد انسان اثرگذار بودند.<sup>۱۱</sup>

#### • کبرپایی از آن خداست

قرآن مجید در سوره حشر، در مقام شمار صفات خدا، او را چنین توصیف می‌کند: ﴿الْعَزِیزُ الْجَبَّارُ الْمُتَکَبِّرُ﴾<sup>۱۲</sup> اکنون سؤال می‌شود که چگونه تکبر در موردی از صفات رذیله؛ ولی در مورد دیگر از صفات جمیله می‌باشد؟ در روایات نیز به این وصف جمال، به‌صورت انحصار اشاره شده است:

امام صادق‏ علیه‌السلام به یاران خود فرمود: «ایاکم والعظمة والکبر فَإِنَّ الکبر رداء الله عزوجل فمن نازع الله رداءه، قصمه الله وأذله یوم القيامة»<sup>۱۳</sup>؛ از هر نوع اظهار عظمت و بزرگ نمایی دوری بجویند؛ زیرا تکبر از آن خداست. هرکس در این مورد با خدا به منازعه برخیزد، خدا او را می‌شکند و روز رستاخیز خوار می‌سازد.

پاسخ سؤال این است که ملاک کبر داشتن، عظمت، عزت و قدرت ذاتی است؛ یعنی این صفات از درون او بجوشد؛ نه اینکه از جایی بگیرد و آفریدگار جهان این کمالات را بالذات به‌صورت بی‌نهایت دارا می‌باشد؛ ولذا ملاک تکبر در او به‌نحو اتم موجود است؛ اما دیگران که به‌ظاهر عظمت و قدرت دارند، قدرت آنان یک نوع قدرت دریاغی است که از جای دیگر برگرفته‌اند که اگر خالق متعال آن قدرت را از آنان بازگیرد، به معدوم مطلق تبدیل می‌شوند.

سعدی شیرین سخن می‌گوید:

گر جمله کائنات کافر گردد

بردامن کبرپاش ننشیند گرد

#### • تکبر در لباس تواضع و فروتنی

گاهی کبر و خودپسندی، به‌صورت تواضع مصنوعی جلوه می‌کند؛ مثلاًکسی مقید است که همیشه در قسمت پایین مجلس بنشیند؛ درحالی‌که در مجلس هنوز جای خالی فراوان است. این نوع نقید نوعی خودنمایی است. مرد متواضع وارد مجلس می‌شود و هر کجا که جا باشد، همان‌جا می‌نشیند.

#### • علاج تکبر

افراد متکبر بر دو نوعند: گاهی غرور به مرحله‌ای می‌رسد که در چهل و نادانی فرو می‌روند و درهای قلب آنان برای شنیدن نصایح ناصحان بسته می‌شود. هدایت چنین فردی که از عیب خود آگاهی ندارد، مشکل است. اگر قرآن می‌فرماید: ﴿حَتَّمَ اللَّهُ عَلَی قُلُوبِهِمْ وَعَلٰی سَمْعِهِمْ﴾<sup>۱۴</sup>؛ و خدا بر دل‌ها و گوش‌های آنان مهر نهاده؛ به‌خاطر آن است که آن چنان در غرور فرو می‌روند که هرگز دل به گفتار انبیاء و اولیاء‏ علیهم‌السلام نمی‌دهند.

ولی گاهی متکبر از عیب خود نیمه‌آگاهی دارد؛ ولی اسیر نفس اماره است. چنین فردی اگر در حوزه تعلیم بزرگان قرار بگیرد، به‌تدریج از اسب سرکش غرور فرود آمده و انسان فرزانه می‌شود.

راه هدایت این افراد این است که او را به آغاز آفرینش او تذکر دهند که تو روزگاری نطفه‌ای بیش نبودی، بعداً در رحم مادر از خون تغذیه کردی، پس از تولد از شیر مادر به حیات خود ادامه دادی، حوادث ناگوار می‌توانست، به زندگی تو خاتمه دهد؛ ولی پدر و مادر با الهام از خدا از تو حفاظت کردند. بنابراین چیزی از خود نداری و هرچه داری، از آفریدگار جهان است؛ لذا باید در برابر دستورات خدا سر فرود آوری و هم‌نوعان خود را نظیر خود ببیندنی. خدایا برای ما دلی آگاه و قلبی روشن عطا بفرما. خدایا ما را از هر نوع خودپسندی و خودخواهی و غیر خودخواهی دور بفرما.

#### • پی نوشت‌ها

۱. کافی ج ۲، ص ۲۹۳، الریاء، حدیث ۱.
۲. سوره توبه، ۲۴۵/۲.
۳. توبه، ۱۸.
۴. بقره، ۲۶۴.
۵. کافی، ۲۴۵/۲، باب الریاء، ح ۸.
۶. کافی، ۳۱۳/۲، باب العجب، ح ۳.
۷. کهف، ۱۴-۱۳.
۸. لقمان، ۱۸.
۹. همان.
۱۰. بقره، ۲۵۸.
۱۱. شعراء، ۲۹.
۱۲. النازعات، ۲۴.
۱۳. فصلت، ۳۶.
۱۴. به‌عنوان نمونه رک: انبیاء، ۳؛ مؤمنون، ۲۴ و ۳۳ و ۳۴.
۱۵. جامع السعادات، ۸/۳۸۲.
۱۶. حشر، ۲۳.
۱۷. کافی ج ۲، ص ۳۱۱، کتاب الایمان والکفر، حدیث ۱۱.
۱۸. بقره، ۷.

آنان، آزادگان و همسر و فرزندان آنان.

– مهلت ارسال آثار به جشنواره:

اول دی‌ماه ۱۴۰۲

– محل ارائه فرد و مدارک:

ساختمان اداری دارالشفاء، طبقه همکف، اتاق ۶. جهت کسب اطلاعات بیشتر می‌توانید از ساعت ۸ تا ۱۴ با شماره ۰۲۵۳۲۱۹۱۹۶۳ تماس گرفته و یا به‌صورت حضوری به ساختمان اداری دارالشفاء، طبقه همکف اتاق ۶، واحد امور ایثارگران حوزه علمیه قم مراجعه فرمایید.

## هشتمین جشنواره ملی ایثار برگزار می‌شود

برترین‌های وزارت آموزش و پرورش، وزارت علوم، وزارت بهداشت و دانشگاه آزاد اسلامی با محوریت بنیاد شهید وامور ایثارگران برگزار خواهد شد، معرفی می‌شوند.

– واجدین شرایط شرکت در جشنواره: طلاب و دانش‌آموختگان شاهد و ایثارگر معرفی می‌شوند.
شامل: همسر و فرزند شهید، جانباز ۲۵ درصد و بالاتر و همسر و فرزندان

هشتمین جشنواره ملی ایثار با هدف معرفی و تجلیل از برترین‌های آموزشی و تحصیلی جامعه هدف طرح شاهد و ایجاد بویایی، تحرک و افزایش انگیزه تحصیلی، توسط مدیریت امور طلاب و دانش‌آموختگان حوزه علمیه، با همکاری بنیاد شهید وامور ایثارگران قم در سطح استان قم برگزار می‌گردد.

به گزارش خبرگزاری حوزه، منتخبان جشنواره به مرحله ملی که با حضور

## نخستین همایش «تحول حوزه علمیه بر مبنای مکتب امام خمینی‏ رحمه‌الله» برگزار می‌شود

حوزه‌های علمیه در تحولات جدید اجتماعی فرهنگی، تدوین نقشه راه تحولات حوزه بر مبنای مکتب امام‏ علیه‌السلام و تأثیرگذاری حوزه‌های علمیه در مسائل نوظهور هستند.

محورهای راهبردی و هویتی شامل: تمدن‌سازی اسلامی بر مبنای مکتب امام و راهبری اندیشه حوزه‌های علمیه، بازآفرینی هویت مطلوب طلبه بر مبنای مکتب امام‏ علیه‌السلام، جایگاه عقلانیت و معنویت و عدالت در مکتب امام‏ علیه‌السلام، نقش راهبردی حوزه‌های علمیه بر مبنای مکتب امام‏ علیه‌السلام و محورهای آسیب‌شناسی نیز، شامل: نقد حوزه‌های علمیه بر مبنای مکتب امام‏ علیه‌السلام، راهکارهای برون‌رفت

<sup>[1]</sup> نخستین همایش ملی تحول حوزه علمیه بر مبنای

<sup>[2]</sup> مکتب امام خمینی‏ علیه‌السلام، از سوی انجمن مطالعات

<sup>[3]</sup> اجتماعی حوزه علمیه با همکاری مؤسسه آموزش عالی

<sup>[4]</sup> حوزوی رفیعة المصطفی‏ علیه‌السلام برگزار می‌شود.

<sup>[5]</sup> به گزارش خبرگزاری ایکتا، محورهای تحول‌خواهی

<sup>[6]</sup> این همایش شامل: تحول حوزه‌های علمیه بر مبنای

<sup>[7]</sup> دیدگاه‌های فقهی فلسفی تفسیری مکتب امام‏ علیه‌السلام، تحول

<sup>[8]</sup> فقه در حوزه علمیه، تحول فلسفه و کلام در حوزه علمیه،

<sup>[9]</sup> تحول تفسیر و حدیث در حوزه علمیه، تحولات حوزه‌های

<sup>[10]</sup> علمیه بر مبنای تحولات اقتصادی، بازخوانی نقش